

شناسایی استعداد‌های دانش‌آموزان با هوش‌های چندگانه

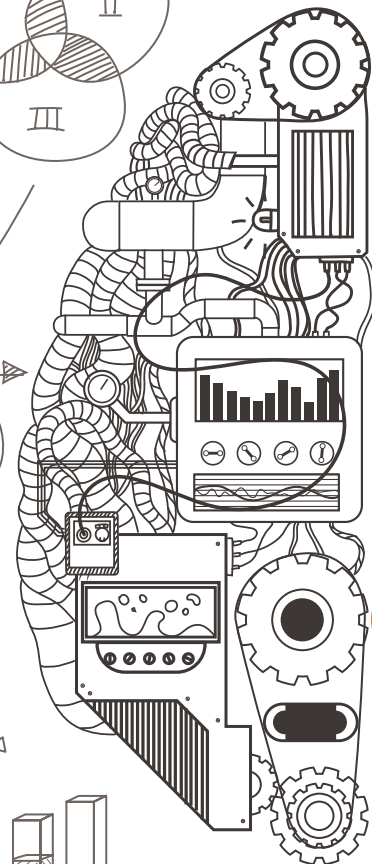
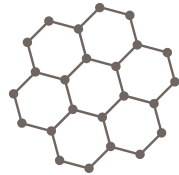
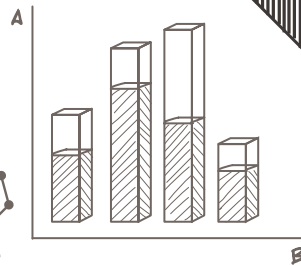
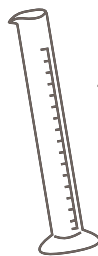
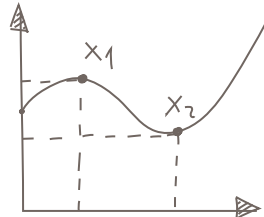
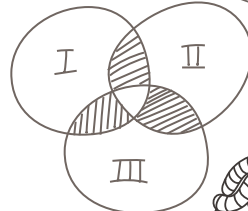
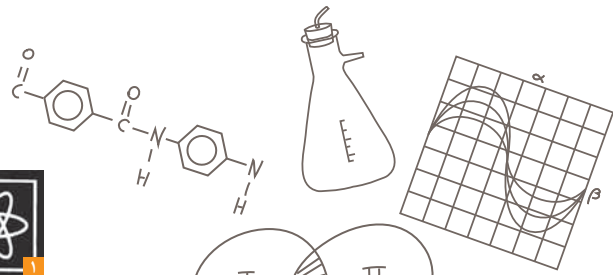
برای شناسایی استعداد‌های دانش‌آموزان نمی‌توانیم فقط در پی کشف استعداد‌های منطقی-ریاضی، و زبانی-کلامی باشیم و هوش بهر (IQ) را ملاک مطلق سنجش استعداد قرار دهیم. با این روش استعدادسنجی، بسیاری از دانش‌آموزان نادیده گرفته می‌شوند، چرا که هر فردی استعداد‌هایی دارد که خاص خودش است و این استعدادها به شناسایی و هدایت نیاز دارند.

هوش بدنی-حرکتی خوبی دارند (یعنی روی حرکات بدن خود کنترل دارند و در دست‌ورزی مهارت دارند) و دانش‌آموزانی که استعداد‌های دیگری دارند، جایی ندارند. این دانش‌آموزان یا اصلاً به حساب نمی‌آیند یا در مدرسه درجه‌های دو و سه محسوب می‌شوند.

بهتر است زاویه‌ی دید خود را قدری تغییر دهیم و در پی شناسایی استعداد‌های ذاتی دانش‌آموزان از دیدگاه هوش‌های چندگانه^۱ باشیم. با این دیدگاه، همه‌ی دانش‌آموزان منحصر به فرد خواهند بود. هیچ طرح و برنامه‌ای مغایر با این دیدگاه، با ذات بشر هم‌خوانی ندارد و نمی‌تواند در آموزش عمومی جامعه مؤثر واقع شود. در روش استعدادسنجی با هوش بهر (IQ) همواره عده‌ای برتر شمرده می‌شوند که در استعداد‌های منطقی-ریاضی، و زبانی-کلامی برتری‌هایی دارند و در نتیجه عده‌ی زیادی از افراد طرد می‌شوند. برای مثال، متأسفانه در نظام آموزشی تک‌بعدی، دانش‌آموزانی که هوش فضایی خوبی دارند (یعنی خوب طراحی می‌کنند و نقاشی می‌کشند)، یا دانش‌آموزانی که هوش موسیقایی خوبی دارند (یعنی ریتم شعر و موسیقی را خوب می‌فهمند و نسبت به آواها حساس هستند)، یا دانش‌آموزانی که

هوش بهر

آزمون هوش در مفهوم هوش بهر یا بهره‌ی هوشی را آلفرد بینه، روان‌شناس فرانسوی، به منظور تشخیص و یاری رساندن به دانش‌آموزانی طراحی کرد که ضعف تحصیلی داشتند. به مرور زمان، هوش بهر در جامعه جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و رفته‌رفته از آزمون هوش یا IQ برای جداسازی دانش‌آموزان تیزهوش استفاده شد، با این تصور که دانش‌آموزان به اصطلاح «تیزهوش» یا «سرآمد» را باید از بقیه جدا کرد، چون از توانایی‌های منطقی-ریاضی، زبانی-کلامی، و فضایی بهتری برخوردارند. این موضوع در ابتدا جذاب می‌نمود، چرا که توانایی‌های این افراد، مخصوصاً توانایی‌های منطقی-ریاضی و زبانی-کلامی، در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان نقش بسزایی داشت؛ چون کتاب‌ها و برنامه‌ی درسی اساساً بر این پایه طراحی شده بودند.



براساس این نظریه، هوش تنها استعداد ریاضی و کلامی نیست، بلکه هشت هوش یا استعداد وجود دارد که در همه‌ی انسان‌ها در درجات و ترکیب‌های متفاوت دیده می‌شود. در این راستا، باید به تفاوت‌های فردی احترام گذاشت، زمینه‌ی شکوفایی استعدادها را فراهم کرد، و در نهایت استعدادها را شناسایی و هدایت کرد تا فرد بتواند انسان شادکام و مؤثری برای خود و جامعه باشد. هوش‌های چندگانه عبارت‌اند از:

- ۱ هوش منطقی-ریاضی
- ۲ هوش زبانی-کلامی
- ۳ هوش فضایی
- ۴ هوش بدنی-حرکتی
- ۵ هوش موسیقایی
- ۶ هوش طبیعت‌گرایی
- ۷ هوش درون‌فردی
- ۸ هوش بین‌فردی

هوش توانایی حل مسئله یا خلق محصولی است که در یک فضای فرهنگی با ارزش شمرده می‌شود. هوارد گاردنر

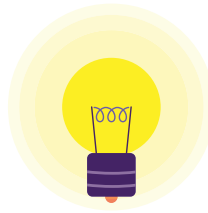
همه‌ی ما دانش‌آموزان مشتاق و بااستعداد بسیاری را دیده‌ایم که در دوران تحصیل رفته‌رفته شوق یادگیری در آن‌ها از بین رفته است، چرا که در چارچوبی که برای موفقیت در مدرسه تعیین شده بود، قرار نمی‌گرفتند. **سهراب سپهری**، که از دوران کودکی طبع شعر و نقاشی داشته، در انتقاد از نظام آموزشی خشک و تک‌بعدی سال‌های نوجوانان دور، در خاطرات خود می‌گوید: «مدرسه خراشی بود به رخسار خیالات رنگی خردسالی

هوش‌های چندگانه

دکتر هوارد گاردنر، روان‌شناس رشد و استاد روان‌شناسی دانشگاه هاروارد، پس از سال‌ها پژوهش در پروژه‌ای به نام «پروژه‌ی صفر»، نظریه‌ی هوش‌های چندگانه را در کتابی با عنوان «چارچوب‌های ذهن؛ نظریه‌ی هوش‌های چندگانه»، در سال ۱۹۸۳ ارائه کرد. با مطرح شدن این نظریه به تدریج دیدگاه کاملاً متفاوتی نسبت به هوش در جهان فراگیر شد.

«موضوع این نیست که چقدر باهوش هستید. موضوع این است که از چه نظر باهوش هستید.»

هوارد گاردنر



به استعداد‌های خاص خود در مسیر زندگی هدایت کند. در بحث هوش‌های چندگانه باید به این نکته توجه کرد که هوش‌ها یا توانایی‌های هر فرد در عمل به‌طور ترکیبی استفاده می‌شوند. مثلاً خلبان در تصمیم‌گیری و اجرای عملیات پرواز از هوش منطقی، در انجام کار از هوش بدنی - حرکتی، در تشخیص موقعیت و مسیریابی از هوش فضایی، و در ارتباط با خدمه پرواز و برج مراقبت از هوش بین‌فردی و هوش زبانی - کلامی استفاده می‌کند.

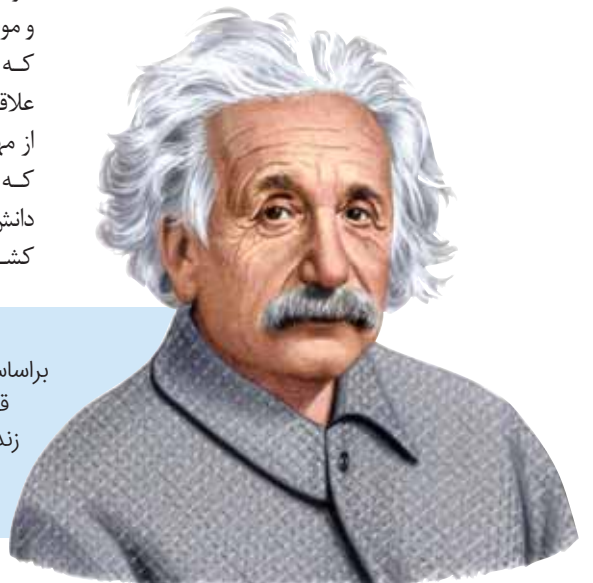
یک بازیگر در فن بیان از هوش زبانی - کلامی، در اجرای خواسته‌های کارگردان و درک خط داستان از هوش منطقی - ریاضی، در تشخیص موقعیت صحنه‌ای که در آن ایفای نقش می‌کند از هوش فضایی، در اجرای حرکات و استفاده به‌جا از زبان بدن از هوش بدنی - حرکتی، در درک احساسات و شخصیت نقش خود از هوش درون‌فردی، و در ارتباط با بازیگران دیگر از هوش بین‌فردی استفاده می‌کند. یک فوتبالیست در انجام حرکات ورزشی از هوش بدنی - حرکتی، در ارتباط با مربی و هم‌تیمی‌های خود از هوش بین‌فردی و زبانی - کلامی، در کنترل احساسات و شناخت توانایی‌های خود از هوش درون‌فردی، در تشخیص فضاهای زمین برای پاس دادن و ضربه زدن به توپ از هوش فضایی، و در درک و اجرای طرح و برنامه‌ی مربی از هوش منطقی - ریاضی استفاده می‌کند.

یک معلم در برنامه‌ریزی، ارائه‌ی درس و رعایت پیوستگی تمرین‌ها و مطالب به‌طور روزمره و در طول سال تحصیلی از هوش منطقی - ریاضی، در انجام کار و رعایت زبان بدن متناسب با شرایط از هوش بدنی - حرکتی، در طراحی و چیدمان کلاس و استفاده از تخته از هوش فضایی، در شناخت و کنترل احساسات و بهره‌جویی از توانایی‌های

هوش‌های چندگانه در زندگی

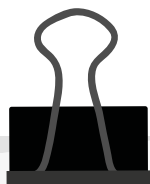
در زندگی واقعی، معمولاً هر حرفه‌ای ترکیبی از چند هوش را طلب می‌کند. برای موفقیت در هر رشته‌ای باید این موضوع را در نظر گرفت. معلم، پزشک، نویسنده، نقاش، خلبان، مکانیک، نوازنده، فروشنده و بازیگر، همه و همه از انواع هوش به‌صورت ترکیبی استفاده می‌کنند و موفقیت هر فردی در گرو این است که هوش‌های مربوط به حرفه‌ی مورد علاقه‌اش را در خود تقویت کند. یکی از مهم‌ترین وظایف مدرسه این است که با ایجاد بستر مناسب، استعداد‌های دانش‌آموزان را در زمینه‌های گوناگون کشف کند و دانش‌آموزان را با توجه

«من» در حالی که با توجه به نظریه‌ی هوش‌های چندگانه، همه‌ی انسان‌ها بدون استثنا توانایی‌های منحصر به فردی دارند که باید به آن‌ها بها داد و بستر رشد را برایشان فراهم کرد.



همه نابغه هستند. اما اگر ما‌هی را براساس توانایی‌اش در بالا رفتن از درخت قضاوت کنید، تا آخر عمر با این تصور زندگی خواهد کرد که وی کودن است.

آلبرت اینشتین



هوش منطقی - ریاضی:

چقدر از حل مسئله و انجام محاسبه لذت می‌برم و در این کار توانایی دارم؟
خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

هوش زبانی - کلامی:

چقدر از خواندن و نوشتن و فعالیت‌های کلامی لذت می‌برم و در آن توانایی دارم؟
خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

هوش فضایی:

چقدر از طراحی، نقاشی و تجسم فضایی لذت می‌برم و در این جور کارها توانایی دارم؟
خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

هوش بدنی - حرکتی:

چقدر از فعالیت‌های ورزشی و کارهای دستی لذت می‌برم و در آن‌ها توانایی دارم؟
خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

هوش موسیقایی:

چقدر از ریتم و موسیقی، و وزن و قافیه لذت می‌برم و در استفاده از آن‌ها توانایی دارم؟
خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

هوش طبیعت‌گرایی:

چقدر از ارتباط با طبیعت و حیوانات لذت می‌برم و به محیط زیست اهمیت می‌دهم؟
خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

هوش درون‌فردی:

چقدر نسبت به احساسات، ضعف‌ها و توانایی‌های خود شناخت دارم؟
خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

هوش بین‌فردی:

چقدر از ارتباط با دوستان و آشنایان لذت می‌برم و روابط خوبی با اطرافیان دارم؟
خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

خود در مدرسه از هوش درون‌فردی، و در تعامل با دانش‌آموزان، همکاران، و اولیاء، و دادن بازخورد با انتخاب واژگان و لحن مناسب از هوش زبانی-کلامی و هوش بین‌فردی استفاده می‌کنند.

بنابراین، شناسایی استعدادها کمک می‌کند دانش‌آموزان متناسب با هوش‌های برتر خود رشته یا حرفه‌ای را دنبال کنند که با گرایش‌ها و استعدادهای آن‌ها هماهنگی بیشتری دارد.

وظیفه‌ی معلمان و کارکنان مدرسه این است که نخست هوش‌های چندگانه را خوب بشناسند، و به تبع آن دانش‌آموزان را خوب مشاهده کنند و هر یک را براساس استعدادهای ویژه‌ی خود هوشمندانه هدایت کنند.

گام نخست برای اینکه معلمان بتوانند در مورد استعدادهای دانش‌آموزان خود نظر بدهند این است که بتوانند استعدادهای خود را شناسایی کنند.

خودارزیابی هوشی

در اینجا یک پرسش‌نامه‌ی اجمالی و کلی برای خودارزیابی تقریبی گرایش‌های هوشی از دیدگاه گاردنر ارائه شده است. لازم به ذکر است، این سؤال‌ها صرفاً چکیده‌ی سؤال‌های بیشتر و جامع‌تری هستند.

برای تشخیص دقیق‌تر گرایش‌های هوشی، باید برای هر یک از هوش‌ها سؤال‌های بیشتری پرسیده شود، یا حتی بهتر است شخص در حال انجام فعالیت‌ها، توسط افرادی که با هوش‌های چندگانه آشنا هستند و به آن‌ها اشراف دارند مشاهده شود. با این حال، پیشنهاد می‌شود معلمان پیش از اینکه در مورد دانش‌آموزان خود نظر بدهند، ابتدا به‌طور اجمالی خود را از نظر هوش‌های چندگانه ارزیابی کنند.

در مورد خود به سؤال‌های بالا پاسخ

وجود دارد. به‌خاطر تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، فضای آموزشی نیازمند تنوع در روش‌های آموزش و سنجش است تا زمینه‌ی رشد در همه‌ی ابعاد فراهم شود.

لازم به ذکر است، مجموعه‌ی این سؤال‌ها و هر گونه پرسش‌نامه‌ی از این قبیل، صرفاً به منظور تشخیص میزان تمایلات افراد از نظر هوشی است و به هیچ وجه درجات هوشی را به‌طور مطلق تعیین نمی‌کند.

دهید. حال بگویید قوی‌ترین هوش یا هوش‌های شما کدام هستند؟ آیا فکر می‌کنید اگر در زمان تحصیل زمینه‌ی مناسبی برای رشد همه‌جانبه‌ی شما فراهم شده بود، اکنون شرح حال هوشی متفاوتی داشتید؟

چنانچه پس از این خودارزیابی نتیجه را با همکاران و افراد دیگر مقایسه کنید، متوجه خواهید شد تا چه حد با یکدیگر متفاوت هستید. به یاد داشته باشید، همین تفاوت‌ها میان دانش‌آموزان نیز



در دوره‌های قبل مجله هم درباره‌ی موضوع هوش‌های چندگانه صحبت کرده‌ایم. برای پی‌گیری آن‌ها، مسیری را که در تصویر می‌بینید دنبال کنید.

شناسایی استعدادهای دانش‌آموزان

همان‌طور که اشاره شد، بهترین روش تشخیص گرایش‌ها و استعدادهای انسان، مشاهده در حین انجام فعالیت است. شناسایی استعدادها یا هوش‌های چندگانه در دانش‌آموزان نیازمند این است که معلم، به جای تدریس با روش سخنرانی و تکیه بر محفوظات، فرصت بروز توانایی‌های دانش‌آموزان را با زمینه‌سازی‌های هدفمند ایجاد کند. به این ترتیب، چون دانش‌آموزان امکان ابراز وجود به شیوه‌های متفاوت را پیدا می‌کنند، معلم می‌تواند با توجه به مشاهدات خود، به خوبی در مورد توانایی‌ها و استعدادهای دانش‌آموزانش نظر بدهد. در غیر این‌صورت، اگر آموزش و سنجش همواره به شکل ثابتی باشد (مثلاً روش مرسوم سخنرانی و سنجش با روش چندگزینه‌ای یا تشریحی)، استعدادهای گوناگون دانش‌آموزان اصلاً بروز نمی‌کنند و عملکرد خاصی مشاهده نمی‌شود تا استعدادها شناسایی شوند. هوش‌های چندگانه برای

استعدادیابی و شکوفایی دانش‌آموزان ابزار مؤثری است. توجه به هوش‌های چندگانه تفاوت‌های فردی را ارج می‌نهد و کمک می‌کند دانش‌آموزان مسیر زندگی خود را راحت‌تر و سریع‌تر پیدا کنند و در مدرسه هم ساعات خوشی را بگذرانند. باید توجه داشت، میزان موفقیت این کار در گرو آشنایی معلمان و کارکنان مدرسه با نظریه‌ی هوش‌های چندگانه است تا با ایجاد شرایط مناسب، شناخت بهتر و دقیق‌تری از استعدادهای دانش‌آموزان خود پیدا کنند و بتوانند برای استعدادیابی و تعیین مسیر تحصیلی و حرفه‌ای دانش‌آموزان، متناسب با علاقه‌ها و استعدادها فردی‌شان، گام مؤثری بردارند. در شماره‌ی بعدی با تصورات نادرست از هوش‌های چندگانه آشنا می‌شویم.

آنچه معمولاً به عنوان «هوش» تلقی می‌شود توانایی‌های زبانی-کلامی و منطقی-ریاضی است که گاهی در مدرسه‌ها مهم‌تر از توانایی‌های دیگر شمرده می‌شوند. با این تصور، هوش‌های فضایی، درون‌فردی، بین‌فردی، موسیقایی و غیره رنگ می‌بازند و به فراموشی سپرده می‌شوند.

ما باید برای رتبه‌بندی کودکان زمان کمتری صرف کنیم و بیشتر برای شناسایی توانایی‌ها و استعدادها ذاتی‌شان به آن‌ها کمک کنیم. راه‌های بسیار زیادی برای رسیدن به موفقیت وجود دارند و توانایی‌های بسیار زیادی داریم که برای یافتن به موفقیت به ما کمک می‌کنند.

هوارد گاردنر



پی‌نوشت

1. MI (Multiple Intelligences)

منابع

1. آرمسترانگ، توماس (۱۳۹۰). هوش‌های چندگانه در کلاس‌های درس. ترجمه‌ی مهشید صفری. انتشارات مدرسه. تهران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۹).
2. فلیتیم، مایک (۱۳۹۱). هوش‌های چندگانه. ترجمه‌ی بهرام قاسمی‌نژاد. انتشارات فراروان. تهران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۷).